

واکاوی مستندات مسؤلیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی

بهرام انواری اوغول بیگ* / سید محمدصادق موسوی**

چکیده

در نظام قضایی دین مبین اسلام هدف از قضاء، تأمین امنیت مالی، جانی و نوامیس مردم می باشد که بی شک از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و حاکی از حساسیت منصب قضاوت است. گاه به دنبال تصمیمات نابخشودنی بر تقصیر قاضی، خساراتی بر اشخاص وارد می شود که در این صورت قاضی، مسئول پرداخت ضرر و زیان ناشی از تقصیر حرفه ای خود شناخته می شود. با عنایت به این که قضات دارای مصونیت مطلق نیستند لذا مهم ترین پرسش هایی که در این راستا مطرح می شود این است که دلیل مشروعیت مسؤلیت مدنی و کیفری قاضی چیست؟ چرا زیان دیده، حق دریافت خسارت داشته و می تواند قاضی را به پرداخت خسارت الزام کند؟

بررسی دلایل شرعی از قبیل آیات قرآنی، روایات و قواعد موجود در منابع معتبر فقهی و نیز منابع حقوقی، حاکی از پذیرش مسؤلیت مدنی و کیفری مبتنی بر تقصیر قاضی است و در مواردی که تصمیمات قضایی مبتنی بر تقصیر آنها منجر به هرگونه ضرر مالی، بدنی و حیثیتی برای اشخاص شود در برابر زیان دیده مسئول شناخته می شوند.

کلیدواژه: قاضی، تقصیر، مسؤلیت مدنی، مسؤلیت کیفری

* دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) anvari.bahram@gmail.com

** دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷

۱- مقدمه

واژه «مسئولیت» در علم حقوق عبارت است از: «تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است» و در فقه امامیه واژه «مسئولیت» تحت عنوان «ضمان» مورد اشاره قرار گرفته و هر نوع مسئولیتی اعم از مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری را شامل می شود که از آن به «مسئولیت قانونی» تعبیر می شود (حقوق مدنی (مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران)/۱۲۳؛ حقوق مدنی (۴)/۱۱۱؛ ر.ک: دامنه مسئولیت مدنی (با مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق فرانسه)/۱۶). مسئولیت به لحاظ منشأ ممکن است به دلیل ارتکاب فعل یا ترک فعل زیان بار و ایجاد ضرر و زیان به دیگری ایجاد شود که به آن «مسئولیت مدنی» اطلاق می شود و چنان چه مسئولیت، ناشی از ارتکاب عملی باشد که در قانون جرم شناخته شده و برای مرتکب آن مجازات تعیین گردد «مسئولیت کیفری یا جزائی» نامیده می شود (حقوق مدنی (۴)/۲).

مسئولیت کیفری قوی ترین شکل محکومیتی است که هدف از آن مجازات مجرم به جهت صیانت جامعه و پیشگیری از وقوع افعال مجرمانه است که می بایست با تقصیر موازنه داشته باشد و در مقابل، هدف از مسئولیت مدنی، عبارت از احقاق حق و جبران خسارت وارده، جلب رضایت زیان دیده، برقراری عدالت، برقراری نظم و امنیت اجتماعی می باشد (حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۵۹/۱-۶۰؛ باریکلو، مسئولیت مدنی/۳۹؛ ر.ک: مبانی و نوآوری های فقهی شهید آیت الله مطهری/۱۳۵؛ حقوق جزای عمومی/۳۱-۳۸). در مسئولیت مدنی، فرض بر این است که در خارج، زیانی به شخص وارد شده است. شخص وارد کننده زیان اگر مالی می دهد زیان سابق از بین نمی رود بلکه پرداخت خسارت، تدارک چیزی است که از بین رفته است؛ به خصوص این که گاهی پرداخت مال و تدارک ضرر از این طریق از روی ناچاری و نبود شیوه دیگر تدارک است. مثلاً اگر شخصی به سلامتی فرد دیگری لطمه وارد سازد پول هیچگاه سلامتی شخص را اعاده نخواهد کرد ولی شیوه تدارک دیگر هم وجود ندارد. بنابراین هدف مسئولیت مدنی، جبران ضرر و رفع خسارت از زیان

دیده است و فاعل فعل زیان بار، متعهد به انجام تعهد یعنی جبران ضرر می شود. با ایجاد این تعهد وی ملزم به جبران ضرر است و اصل، بقاء این تعهد است و می بایست وضعیّت زیان دیده تا جایی که ممکن است به وضعیّت قبل از وقوع فعل زیان بار برگردد (مسئولیت مدنی در فقه امامیه/۱۲۸؛ حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۳۱۸/۱ و ۳۲۲).

شایان ذکر است که مسئولیت مدنی نباید وسیله انتفاع و سوء استفاده زیان دیده قرار گیرد و با آن کسب ثروت کند و فراتر از میزان خسارت تعهدی بر عهده فاعل فعل زیان بار نمی باشد. همان گونه که در مسئولیت مدنی نباید ضرری برای زیان دیده وجود داشته باشد، سود و منفعت اضافی نیز نباید وجود داشته باشد. هدف و آمال مسئولیت مدنی جبران خسارت است نه ایجاد سرمایه و سود برای زیان دیده. با این نگاه به مسئولیت مدنی، برای زیان دیده ابزاری پدید خواهد آمد که نه تنها از زیان دیده رفع ضرر نموده و خسارات وی جبران خواهد شد، بلکه از اجحاف بر فاعل فعل زیان بار نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد (حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۳۱۸/۱).

در مسئولیت مدنی، حکم به جبران خسارات زیان دیده به وسیله فاعل فعل زیان بار، هم منطقی است و هم عادلانه؛ زیرا هر شخصی مسئول اعمال خویش است (مدتّر/۳۸: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ). فاعل فعل زیان بار، سبب ورود خسارت به زیان دیده شده است و تحمیل تعهد به جبران خسارات بر او منطقی است و نیز دور از عدالت است که کسی بدون هیچ قاعده ای آثار فعل دیگران را تحمّل کند. عدالت حکم می کند که هر کسی بار خویش را بر دوش کشد (اسراء/۱۵: ... وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ...). تحمیل ضرر بر زیان دیده بی گناه را هیچ وجدانی نمی پذیرد. بنابراین، عدالت اقتضا دارد که هر کس با فعل یا ترک فعل خود، سبب اضرار دیگری شده تاوان جبران خسارت را تحمّل کند (حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۲۶۷/۱).

با این نگاه که اهمیّت موضوع قضا و هدف آن در شریعت اسلامی موجب شده تا برای متصدیان مقام قضاء شرایط سخت و مسئولیت سنگین دنیوی و اخروی در نظر

گرفته شود و با کوچکترین خطایی ممکن است تعرضی جبران ناپذیر به دماء و اعراض صورت گیرد لذا بررسی مستندات فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی و کیفری قاضی، موجب دقت و مراقبت بیشتر آنها در جریان دادرسی می گردد؛ وانگهی آشنایی زیان دیدگان از امکان احقاق حق را نیز فراهم می نماید.

۲- جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری

واژه «تقصیر» عبارت است از انجام کار و یا ترک فعلی که اگر شخص متعارف و محتاط در شرایط بیرونی و اجتماعی عامل فعل زیانبار قرار گیرد چنین عملی را انجام ندهد. این تعریف مورد قبول و پذیرش برخی از حقوقدانان از جمله دکتر کاتوزیان قرار گرفته است (باریکلو، مسئولیت مدنی/۴۹). شایان ذکر است که قانون مدنی، مجموع «تعدی و تفریط» را «تقصیر» نامیده است؛ بدین ترتیب که ماده ۹۵۱ ق.م. مقرر می دارد: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» و نیز ماده ۹۵۲ بیان می دارد: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است» و در جمع بندی در ماده ۹۵۳ ق.م. آمده است: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی».

مهم ترین نظریه ای که در مسئولیت مدنی قابل طرح می باشد، نظریه تقصیر است و در قرآن کریم از آن به عنوان منشأ مسئولیت نام برده شده است؛ به گونه ای که خداوند در آیه ۳۴ سوره اسراء می فرماید: «... وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا: و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود!». در این راستا مفسرین بیان می دارند که: «آیه ارشاد به حکم ضرورت و خرد است و به نحوی عمومیت دارد که شامل هر نوع عهد و پیمانی می شود؛ چه عهد و پیمان تکوینی و چه تشریحی و چه عهد و پیمان با خالق و چه با مخلوق و کلمه «أَوْفُوا» امر و برای وجوب است؛ پس مخالفت با آن یعنی وفا نکردن به عهد و پیمان، ترک واجب و حرام خواهد بود» (انوار درخشان/۶۰/۱۰؛ تفسیر آسان/۳۹/۱۰).

«تقصیر» در حقوق مدنی اعمّ از تقصیر عمدی و غیر عمدی است. دکتر کاتوزیان معتقد است که تقصیر ارادی را با تقصیر عمدی نباید اشتباه کرد. رفتاری که شخص به تأمل انتخاب می کند ارادی است، خواه نتیجه آن را نیز بخواهد یا انگیزه او اضرار نباشد، ولی تقصیر وقتی عمد است که شخص به قصد اضرار به دیگری مرتکب آن شود مانند این که خانه کسی را خراب کند تا از مالک انتقام بگیرد. بنابراین در تقصیر عمدی، هم کار ناشایسته به عمد انجام می شود و هم نتیجه حاصل از آن کار مقصود و انگیزه مرتکب است. در موردی هم که مرتکب، اضرار به غیر را نمی خواهد ولی نسبت به آن بی اعتنا است یعنی می داند که عمل او به ظنّ قوی به اضرار دیگری می انجامد و با وجود این از نتیجه نامطلوب کار خود نگران نیست، اقدام او در حکم عمد است. مرتکب چنین تقصیری بی گمان مسئول پیامدهای آن است. همچنین در فرضی که مرتکب عمل ارادی و اضرار را می خواهد ولی نتیجه به بار آمده فراتر از مقصود او است و حتی مسلم یا قابل پیش بینی هم نیست، تقصیر را باید عمدی شمرد (الزام های خارج از قرارداد/۱/۳۶۹-۳۷۰). در تقصیر غیر عمد، شخص قصد زیان زدن به دیگری را ندارد ولی در نتیجه غفلت و بی احتیاطی، سبب ورود ضرر به او می شود؛ به عبارتی تقصیر ناظر به حالتی است که در آن تدلیس، سوء نیت و عمد است، خواه انگیزه آن جلب منفعت باشد (مانند اخذ رشوه) یا دفع ضرر (مانند ترس) یا انتقامجویی و...؛ منتها اگر درجه احتمال ورود خسارت از مرحله امکان بگذرد و به ظنّ قوی یا علم برسد و مرتکب با توجه به آن به رفتار زیان بار دست زند، دیگر نباید آن را غیر عمد شمرد (همان/۱/۳۷۲ و ۳۸۶).

در حقوق ایران «تقصیر» نقش مهمی در مسئولیت مدنی و کیفری قاضی دارد که مرجع صلاحیتدار برای اثبات تقصیر یا خطای قاضی، دادگاه انتظامی است و لیکن دادگاه ذی صلاح برای رسیدگی به جبران خسارت وارد شده، پس از اثبات تقصیر یا خطا، دادگاه های عمومی دادگستری است. نمونه هایی از تقصیر قاضی عبارت است از: ۱- استنکاف از رسیدگی دعوی، ۲- تفهیم نکردن اتهام به متهم، ۳- ناآگاهی بر

اصول دادرسی و قضا و ضعف داشتن قضایی، ۴- عدم احتساب بازداشت های پیش از صدور حکم در انشای حکم، ۵- اطاله دادرسی، ۶- گرفتن رشوه، صدور حکم بی مستند و دلیل و تحصیل دلیل برای یک طرف به منظور حمایت غیر قانونی از او (بررسی فقهی حقوقی مسؤلیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۳۳؛ حقوق مدنی: الزام ها و مسؤلیت مدنی بدون قرارداد/۴۵).

با در نظر گرفتن توضیحات فوق شایسته است که مفهوم تقصیر را بر تقصیر شغلی حمل کنیم تا تقصیر با حفظ مفهوم خود همچنان قابل تطبیق بر مصادیق خود بوده و از طرفی، جایگاه قضا و مصلحت عمومی نیز محفوظ بماند؛ و مقصود از تقصیر شغلی و حرفه ای، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است مرتکب آن می شوند مانند خطای پزشکی در معالجه یا عمل جراحی. به عبارت دیگر، خطای شغلی از نقض اصول و قواعد موضوعی و متعارف هر شغل به وجود می آید مثل این که حرفه را به شکل نامشروع انجام دهد (بررسی فقهی حقوقی مسؤلیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۱۷۳ و ۱۸۴).

۳- مستندات فقهی مسؤلیت مدنی و کیفری قاضی

در دین مبین اسلام، مسؤلیت، یکی از مهم ترین مسائلی است که از ویژگی های فطری و نوع آفرینش انسان نشأت گرفته است و در منطق قرآن کریم، پدیده مسؤلیت، واجد خصیصه شخصی است و با صراحت و ویژگی شخصی بودن مسؤلیت انسان را تبیین می کند که بر طبق آن، هر کس پاسخگوی اعمال و رفتار خویش است و مسؤلیت هیچ کس به عهده دیگری واگذار نمی شود. با عنایت به اهمیت این موضوع ذیلاً به مستندات فقهی مسؤلیت مدنی و کیفری قاضی اشاره می شود:

۳-۱- کتاب

- انعام/۱۶۴: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل نمی شود؛ در این راستا مفسرین بیان می دارند: «در پیشگاه خداوند مسؤلیت عمل هر

کس، بر عهده‌ی خود اوست و آیه دلالت صریح دارد بر این که هیچ کس به کیفر گناه دیگری گرفتار نمی‌شود و به معصیت دیگری عقوبت نخواهد شد» (تفسیر نور/۳/۳۹۷؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن/۳/۹؛ تفسیر اثنا عشری/۳/۴۲۳؛ جوامع الجامع/۲/۲۸۹؛ تفسیر أحسن الحدیث/۳/۳۵۵؛ خلاصه المنهج/۲/۸۹).

- مدثر/۳۸: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (آری) هر کس در گرو اعمال خویش است. در تفسیر نمونه آمده است: «رهینه» از ماده «رهن» به معنی «گروگان» است و آن وثیقه‌ای است که معمولاً در مقابل «وام» می‌دهند، گویی تمام وجود انسان در گرو انجام وظائف و تکالیف اوست. هنگامی که آن را انجام می‌دهد آزاد می‌گردد و گرنه در قید اسارت باقی خواهد ماند. از بعضی از کلمات اهل لغت چنین برمی‌آید که یکی از معانی «رهن»، ملازمت و همراهی است؛ طبق این معنا، مفهوم آیه چنین می‌شود که همه همراه اعمال خویش اند خواه نیکوکاران و خواه بدکاران» (تفسیر نمونه/۲۵/۲۵۰-۲۵۱).

پیرامون تفسیر آیه فوق در «تفسیر هدایت» آمده است: «تأکید قرآن بر این حقیقت، حکایت از آن می‌کند که این بصیرت و بینشی اساسی است و آدمی بایستی در زندگی به آن عمل کند، چه این روح مسئولیت و انگیزه حقیقی برای پذیرفتن و تحمّل کردن آن است. پس در آن هنگام که کسی مؤمن به ارتباط موجود میان واقعیت و تلاش و آینده خویش باشد همه مسئولیت را می‌پذیرد و از این آیه کریمه به بینش های آینده هدایت می‌شویم که:

الف: اندیشه جبر، اندیشه‌ای نادرست است بدان جهت که خداوند سبحانه و تعالی سرنوشت آدمی را به دست خود او سپرده و نخواسته است سرنوشت ها را بر افراد بشر تحمیل کند بلکه آنان خود آن کسانند که با تلاش نادرست خویش همچون تبهکاران، خویشان را گرفتار آتش دوزخ می‌کنند یا این که بندهای اسارت خویش را می‌گسلند و با کارهای خوب خود همچون اصحاب الیمین روانه بهشت می‌شوند و این از آشکارترین مظاهر عدالت و حکمت الهی است.

ب: این قاعده برای هرکس بدون استثناء و تمایز میان سفید و سیاه یا مرد و زن یا عربی و عجمی جاری است. پس، هیچ ارزشی برتر از عمل صالح نیست. خدا برای بندگان خویش چنین خواسته و این بدان معنی است که همه فلسفه های تنگ نظرانه نژادی و قومی و ... مردود است.

ج: بیشتر گرفتاری ها و بندهایی که نفس را اسیر خود می سازد نتیجه ای از تلاش خود آن و کوششی است که برای فراهم آوردن آنها انجام داده است چنان که خدای سبحانه و تعالی می فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ: هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده اید» (شوری/۳۰؛ تفسیر هدایت/۱۱۷/۱۱۲-۱۱۳).

در خصوص دلالت آیات بر مسئولیت قاضی می توان گفت که هرگاه قاضی بر اثر صادر کردن حکم ناصحیح باعث ورود ضرر به دیگری گردد براساس حکم عمومی آیه شریفه «و لا تزروا وزر و زر اخری» و نیز طبق این قاعده که هر شخص در برابر کارهای بد خود مسئول است، می توان مسئولیت قاضی را استنباط کرد؛ چه این که مصونیت مطلق قاضی با ظاهر آیه شریفه که تحمل بار مسئولیت هر کس را به دوش همان شخص قرار داده است مغایر می باشد. به علاوه، لازمه مصونیت مطلق قاضی این است که مسئولیت احکام و تصمیمات ناشی از تقصیر قاضی به دوش زیان دیده باشد که این نهایت درجه ظلم است و هیچ عقل سلیمی آن را نمی پذیرد (بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۴۰).

۳-۲- سنت

در روایتی آمده است که عبدالرحمن بن حجاج می گوید: امام صادق(ع) در جمع ربیعہ الرای نشسته بود که یک اعرابی آمد و از ربیعہ الرای درباره موضوعی سؤال کرد و ربیعہ الرای نیز جواب سؤالش را داد و اعرابی سؤال خود را دوباره پرسید و ربیعہ الرای همان جواب را به او داد. اعرابی به ربیعہ گفت: آیا آن را به گردن می گیری؟ ربیعہ سکوت کرد و چیزی نگفت. امام صادق(ع) فرمودند: مسئولیت آن بر عهده او

است و سپس در اثبات مدّعی خویش به یک حکم کلی استناد نموده و فرمودند: آیا گفته نشده است: «هر فتوا دهنده ای در برابر فتوای خویش ضامن است» (تهذیب الأحکام/ ۲۲۳/۶؛ الکافی/ ۴۰۹/۷؛ مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان/ ۸/۱۲؛ روضه المتقین/ ۱۶/۶؛ الوافی/ ۱۹۷/۱؛ وسائل الشیعه/ ۲۷/۲۲۰؛ مرآه العقول/ ۲۴/۲۶۹؛ مهذب الأحکام/ ۱۴/۱؛ فقه الصادق/ ۶۸/۲۵).

در خصوص دلالت روایت بر مسئولیت قاضی می توان گفت حکم کلی «کلّ مفت ضامن»، ظهور در مسئولیت شخص قاضی دارد و کسی حق ندارد حکم مذکور را صرفاً به باب اجتهاد و فتوا منحصر کند؛ به همین جهت است که شیخ حرّ عاملی این روایت را در باب هفتم از ابواب آداب القاضی ذکر کرده است و فقها نیز این روایت را یکی از مستندات مسئولیت قاضی شمرده اند (بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/ ۲۴۳-۲۴۴).

۳-۳- قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر از جمله قواعد فقهی مشهور به شمار می رود و لزوم جبران ضرر، قدیمی ترین بنیانی است که در مسئولیت مدنی از دیرباز بجا مانده و همه قواعد دیگر از این منبع سرچشمه می گیرد. در خصوص اعتبار این قاعده فقهی می توان به فرازی از آیه ۱۹۴ سوره بقره اشاره کرد: «فَمَنْ اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاِغْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ: هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید!» طبق نظر مفسرین، «اسلام به هر کس حق می دهد که اگر به او تعدی شود به همان مقدار مقابله کند و این حکم کلی، همیشه و در هر حال باید اجرا شود» (برگزیده تفسیر نمونه/ ۱۷۶/۱؛ پرتوی از قرآن/ ۸۴/۲؛ تفسیر آسان/ ۱/۴۲۸) و نیز خداوند در آیه ۴۰ سوره شوری می فرماید: «وَ جَزَاءُ سَیِّئَةٍ سَیِّئَةٌ مِّثْلُهَا». شایان ذکر است کلمه «سیئه»، بر اطلاق یا عموم حمل شده و شامل اتلاف اموال و منافع می گردد. می توان از آیه استفاده کرد که در برابر اتلاف مال، صاحب مال حق تقاص خواهد داشت و اتلاف کننده باید خسارت را جبران کند.

افزون بر آیات فوق، عمده ترین دلیل در این موضوع، روایات وارد شده از طریق شیعه و سنی و ادّعی تواتر بر آنهاست که از بین روایات، مهم ترین مستند این قاعده، برخورد پیامبر اکرم (ص) با سمره بن جندب است که حضرت به مرد انصاری

دستور کنند درخت را داده و در بیان علت آن فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (قواعد فقه/۱۴۲-۱۴۳؛ قواعد فقه مدنی/۲۷-۲۸).

در خصوص دلالت قاعده لاضرر بر مسئولیت مدنی قاضی می توان گفت که مفاد قاعده، بیانگر «نهی ضرر جبران نشده» یا «نهی اضرار به غیر» می باشد و امروزه این امر به عنوان یک اصل پذیرفته شده است که هیچ شخصی حق اضرار به غیر ندارد و به همین دلیل، هر خطا و تقصیری، منتهی به مسئولیت مدنی فاعل آن می گردد و این قاعده، مصداق بارز مسئولیت مدنی قاضی محسوب می شود زیرا ارتکاز عقلایی بیانگر آن است که وارد کننده زیان باید زیان وارد شده را تدارک کند و در این زمینه خردمندان راه دیگری جز پرداخت خسارت نمی بینند. حال، اگر شارع این حکم را امضا نکند با وضع نکردن حکم و الزام وی به پرداخت خسارت، شارع ضرر دیگری را باعث می شود که قاعده لاضرر آن را نفی می کند. پرواضح است که قضات نیز از این امر مستثنا نیستند و در مواردی که تصمیمات قضایی آنها مبتنی بر تقصیر یا سوء نیت باشد و منجر به هرگونه ضرر مالی، بدنی و حیثیتی برای اشخاص شود در برابر زیان دیدگان مسئولیت مدنی دارند. پس، از این جهت هیچ گونه استثنایی بر قاعده مذکور وارد نیست و حتی تصور آن غیر عقلایی می نماید، زیرا با هدف تأسیس این قاعده سازگاری ندارد (حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۱۶۰/۱؛ مسئولیت مدنی در فقه امامیه/۱۲۸، بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۵۲).

۳-۳-۴- قاعده تسبیب

«تسبیب» یکی از عناوین خاص موجب مسئولیت مدنی است و عبارت از آن است که شخص به طور مستقیم در از بین بردن مال و جان یا کسر شأن و حیثیت و دیگر صدمات روحی و روانی نقش نداشته ولی در ایجاد آن سبب سازی و زمینه سازی کرده است. فقیهان کار این شخص را اتلاف به تسبیب، و او را از این حیث ضامن خسارت به بار آمده دانسته اند. شایان ذکر است که در تسبیب، متلف در صورتی

ضامن است که در فعل خود، مرتکب تقصیر شده باشد و در این راستا روایاتی نقل شده است که هرگاه به سبب شهادت دروغ، فرد بی گناهی از جهت بدنی و مالی متحمل خسارتی شود، شهادت دهنده دارای مسئولیت کیفری و مدنی است (باریکلو، مسئولیت مدنی/۱۸۵؛ بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۵۳ و ۲۵۴؛ قواعد فقه/۴۹؛ سلسله مباحث فقهی، حقوقی مسئولی مدنی/۷۵).

در خصوص دلالت قاعده تسبیب بر مسئولیت مدنی قاضی می توان گفت از آن جایی که حکم قاضی به طور غیر مستقیم منجر به تلف مال غیر می شود و معمولاً ضررهای ناشی از تصمیمات قضایی منطبق بر این قاعده می باشد، مانند این که در اثر حکم به بازداشت شخص یا توقیف مالی از اموال متهم، خسارت مادی یا معنوی به او وارد می آید، لذا به استناد ماده ۳۳۱ ق.م: «هرکس سبب تلف مال بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد؛ و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت برآید» هرگاه بر اثر تصمیم قضایی مبتنی بر تقصیر قاضی، شخصی دچار خسارت شود این خسارت باید جبران گردد و در صورتی که در این امر تعمد داشته باشد مطابق قواعد و اصول کلی حقوقی، مسئولیت کیفری نیز دامنگیر او می گردد (بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۵۳ و ۲۵۴).

۳-۳-۶- اصل عدالت

یکی دیگر از مبانی مسئولیت مدنی و کیفری در حقوق اسلام، «اصل عدالت» است که در همه قواعد فقهی ظاهر و لازم الرعایه می باشد. در حقیقت، اصل عدالت در فقه اسلامی مکمل بنیاد ضمان است؛ زیرا قانونگذار اسلام هیچ صدمه و زبانی را جبران نشده باقی نمی گذارد و در نظام کیفری اسلام همواره به عنوان لاینفک اصول و مبانی حقوق اسلام، راهنمای قضات و دادرسان در رسیدگی و احراز مسئولیت مجرمین به کار رفته است (مسئولیت کیفری/۱۱۲). شاخصه اصلی عدالت در اندیشه امام خمینی(ره) تساوی افراد در برابر قانون، اعطای حقوق مردم و نفی امتیازات طبقاتی می باشد. بنابراین رعایت حقوق فردی، اجتماعی و عدم تزییع آنها چون از عدالت عقلی اتخاذ شده است باید مورد توجه قرار گرفته و بدان ملتزم شد و این اصل، محور تمامی

حقوق می باشد (قواعد فقهی در آثار امام خمینی (ره) ۳۲۱/۳۲۵). در این راستا امام صادق (ع) می فرمایند: «ید الله فوق رأس الحاكم ترفوف بالرحمة فاذا خاف وکله الله الی نفسه: دست قدرت خدا بر سر حاکم و قاضی است که سایه رحمت می افکند تا وقتی که جور و ستم نکند که در آن صورت خدا او را به خودش وامی گذارد» (الوفی/۱۶/۸۹۶؛ هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه - منتخب المسائل/۸/۳۹۳؛ مستند الشیعه/۸/۱۷؛ کتاب القضاء/۸/الفقه، السلم و السلام/۱۰۵).

شایان ذکر است که عدالت کیفری به معنای عدالت در وضع و اجرای قوانین کیفری و عدالت قضایی به معنای رعایت عدالت در قبال همه طرف های پرونده در فرایند رسیدگی های قضایی و صدور تصمیم های قضایی عادلانه، دو حوزه مهم از حوزه های عدالت اجتماعی به شمار می رود. در این راستا، در اصل ۱۵۶ قانون اساسی «تحقق بخشیدن به عدالت» و نیز «گسترش عدالت» از جمله وظایف و مأموریت های قوه قضائیه شناخته شده است (ضابطان قضایی/۲۳-۲۴).

در خصوص دلالت اصل عدالت بر مسئولیت قانونی قاضی می توان چنین گفت که نظام صحیح اسلام و جامعه حق باید براساس عدالت و قضاوت به حق و عدل تشریحی برقرار باشد و مجریان عمده عدالت و قسط در جامعه، قضات اند و مسئولیت سنگین این رسالت بر عهده قوه قضائیه و در گرو شیوه اجرای قضاء می باشد، به همین مناسبت، کار اساسی حاکم الهی و قانون باید اجرای عدالت و برقراری قسط باشد. به همین دلیل است که کم تر نظام و منصب در اسلام مثل قوه قضائیه و منصب قضاوت اهمیت دارد؛ زیرا همین منصب است که از منصب الهی و مقام انبیاء است و از سوی دیگر هماهنگ کننده نظام تشریحی عدالت و قسط در جامعه با نظام تکوینی عدل الهی است که آسمان و زمین بر آن استوار می باشد و از طرف جان و مال، نوامیس، عرض و آبروی مردم و همه شرف و هستی انسان ها در اختیار قاضی است و او امین مال و جان مردم است. بنابراین، عدالت در مفهوم قضایی (به معنای احقاق حق در جامعه و دادن حق به صاحب حق) ایجاب می کند که قاضی به دستور آیه شریفه «اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل» (نساء/۵۸)، از روی عدالت به فصل خصومت و تعیین میزان

کیفر و جبران زیان وارده به مجنی^۱ علیه مبادرت ورزد و به صدور حکم اقدام نماید (حقوق و قضا از دیدگاه امام علی(ع) و نهج البلاغه/۹۸؛ مسئولیت کیفری/۱۱۲).

۳-۲-۷- اصل قانونی بودن مسئولیت کیفری

از جمله مهم ترین اصول اساسی حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، یا اصل قانونی بودن مسئولیت کیفری است که عدالت کیفری بدون مراعات آن تحقق نمی یابد. مراد از این اصل آن است که اولاً- هیچ عملی جرم نیست مگر آن که از طرف قانونگذار به جرم بودن آن تصریح شده باشد. ثانیاً- هیچ مجازاتی ممکن نیست مگر آن که قبلاً به تشخیص قانونگذار برای ارتکاب جرمی وضع شده باشد. آیه کریمه ۱۵ سوره اسراء (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) به شیواترین شکل، قاعده ای را بازگو می کند که امروزه آن را اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» می خوانند؛ آیه ای که از جمله مستندات شرعی، اصل برائت شرعی اصولی است که در آن نیز با اصل مورد بحث ارتباطی مستحکم دارد. مبنای عقلی، برائت اصولی، قاعده «قبح عقاب بلا بیان» است که آن را باید از مبانی اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها نیز دانست. مفاد این قاعده آن است که تا وقتی حرمت فعلی از جانب شارع بیان نشده و برای آن فعل عقوبتی منظور نگردیده باشد هیچ کس را نمی توان به سبب ارتکاب آن فعل مجازات کرد. چه آن که عقل چنین عقوبتی را قبیح و ظالمانه می داند (آیات الاحکام در نظم حقوقی کنونی/۱۵۴-۱۵۶؛ حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۳۵۹/۱). در این راستا ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است»؛ و در ماده ۲ ق.م. آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود». بنابراین، شرایط تحقق مسئولیت کیفری باید در قانون تعیین شده باشد.

در خصوص دلالت اصل مذکور بر مسئولیت کیفری قاضی می توان گفت که اصل در حقوق کیفری، حمایت از افراد در مقابل تمایلات و اغراض شخصی قضات است و در صورتی که حبّ و بغض قاضی، قانون یک جامعه باشد دیگر سخن از حقوق افراد جامعه معنایی نخواهد داشت. بنابراین وجود این اصل در حقوق کیفری نه تنها از تشتت آراء و احکام جزایی جلوگیری به عمل می آورد بلکه سبب تأمین رعایت عدالت نیز خواهد شد و قاضی نیز در صورت تقصیر در صدور حکم به ناحق، دارای مسئولیت کیفری خواهد بود (حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه/۳۵۹/۱-۳۶۰).

۳-۳-۷- قاعده وزر(اصل شخصی بودن مجازات)

یکی از مهم ترین ویژگی های مسئولیت کیفری در حقوق اسلام، اصل شخصی بودن مجازات است. قبول این اصل، نشانه احترام به آزادی و شخصیت انسانی است که به موجب آن هرگاه شخصی مرتکب جرم شود مسئولیت و عواقب آن منحصرأ متوجه خود وی بوده و کسانی که در ارتکاب جرم دخالتی نداشته اند مصون از تعرض و مسئولیت کیفری خواهند بود (حقوق جزا/مسئولیت کیفری)/۹۰؛ قواعد فقه/۷۷/۲؛ قواعد فقه ۴: بخش جزا/۱۵۷؛ زمینه حقوق جزای عمومی/۹۱).

در خصوص مستندات فقهی اصل شخصی بودن مجازات و مسئولیت کیفری می توان به کلام خداوند اشاره کرد که پنج بار عبارت «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» تکرار شده، و تفاوت آنها در مقدمه جمله است (الاسراء/۱۵؛ الانعام/۱۶۴؛ فاطر/۱۸؛ الزمر/۷؛ النجم/۳۸). در این راستا می توان به سخن امام علی(ع) اشاره کرد که پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، خطاب به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می فرمایند: «ای پسران عبدالمطلب، نمی خواهم پس از مرگ من، خون مسلمان ریخته شود به بهای این که بگوئید امیرالمؤمنین کشته شد. بدانید که نباید کس دیگری جز قاتل من کشته شود و هرگاه من بر اثر یک ضربت شمشیر قاتل مردم شما به عوض آن تنها ضربتی به او بزنید و نباید وی را قطعه قطعه کنید»؛ این فرموده حاوی اصل شخصی بودن کیفر در

اسلام است و بر اساس این اصل، جز مجرم، دیگران مسئولیت کیفری ندارند و نباید مورد مؤاخذه قرار گیرند (نهج البلاغه/۳۶۲؛ الوافی/۳۳۵/۲؛ وسائل الشیعه/۱۲۸/۲۹؛ جامع أحادیث الشیعه/۲۶۶/۳۱؛ القصاص علی ضوء القرآن و السنه/۳۲۸/۲؛ شرح الکافی/۱۳۶/۶؛ فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع/۵۴۲؛ جهاد در آینه روایات/۲۸۷/۱؛ مسئولیت کیفری/۲۵).

در خصوص ارتباط قاعده مذکور در اثبات مسئولیت کیفری قاضی می توان گفت آیات دلالت دارند بر این که هیچ کس وزر (گناه و جرم) دیگری را متحمل نمی شود و نباید آثار و مسئولیت های ناشی از آن را به شخص دیگری تحمیل کرد. بنابراین شخصی بودن جرایم کیفری و مجازات آنها به نحوی است که هیچ کس را نمی توان به جای دیگری مجازات کرد و از دیدگاه کیفری، هیچ کس مسئول اعمال دیگری نیست. وانگهی، اطلاق کلمه «وزر» در آیات فوق الذکر، بیان کننده «إثم مدنی» و نیز «إثم جزایی» است که مسئولیت کیفری و مدنی قاضی را اثبات می کند. شایان ذکر است که ظهور آیه در مسئولیت کیفری قاضی، بیش از شمول آن نسبت به مسئولیت مدنی قاضی است.

۴- مستندات قانونی مسئولیت مدنی و کیفری قاضی

۴-۱- قانون اساسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی با اعتراف به حرمت آزادی های اشخاص و اصل تساوی افراد در قبال قانون، مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی نیز صریحاً پذیرفته شد و بر این اساس، قضات نیز همانند سایر افراد جامعه در قبال برخی اعمال زیان بار خویش مسئولیت شخصی دارند؛ به گونه ای که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جان، مال، آبرو و حیثیت اشخاص از احترام خاصی برخوردار است و تعدی به آنها تحت هیچ شرایطی بدون مجوز قانونی مجاز نیست و تخطی از این اصول، موجب مسئولیت کیفری یا مدنی متجاوز خواهد بود (بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۵۶-۲۵۸). در اصل

۱۷۱ قانونگذار در ضمانت اجرای تخطی قضات از این اصول چنین مقرر داشته است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال، از متهم اعاده حیثیت می گردد». بنابراین، عدالت اقتضا می کند که شهروندان در مواردی که دستگاه های مربوطه و به ویژه دادگاه ها، اقدامات و احکام نادرستی از روی عمد صادر کرده است حق دریافت غرامت داشته باشند (محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران/۲۸۷).

در خصوص دلالت اصل مذکور بر مسئولیت مدنی می توان گفت که قضات از مسئولیت مدنی مبرا نیستند و اصل مصونیت قضایی به طور مطلق پذیرفته نشده است و برای اولین بار در تاریخ قانونگذاری ایران برای قضات در مواردی که مقصر باشند در برابر اشخاص زیان دیده مسئولیت مدنی پیش بینی شده است و این امر حکایت از اهمیت موضوع در نظر قانونگذار دارد. همچنین می توان گفت که مفاد اصل مذکور، منطبق با قاعده لاضرر است و ملاک آن در هر مورد که اقدام شخص حقیقی یا حقوقی موجب بروز خسارت شود اعمال می گردد. به طور مثال، اگر به دستور قاضی، شخص تحت تعقیب، دستگیری و یا بازداشت موقت قرار گیرد در صورتی که پس از آن ثابت شود بی گناه بوده است، در قبال خسارت مادی یا معنوی وارد بر او در صورت تقصیر، شخص قاضی ضامن خواهد بود (بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۵۸ و ۲۰۳).

۴-۲- قانون مجازات اسلامی

تصویب قانون مجازات اسلامی در دوم خرداد ماه ۱۳۷۵ برای تخلفات قضات، تحوّل دیگری در راستای محدود سازی مصونیت قضایی و افزایش مسئولیت مدنی برای قضات است تا بدین وسیله از سوء استفاده، قانون شکنی و تقصیرهای عمدی و در حکم عمد آنها جلوگیری شود. اکنون به بررسی برخی از این مواد می پردازیم:

- در خصوص مسئولیت مدنی و کیفری قاضی، ماده ۱۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ که با اندکی تغییر، تکرار مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی است مقرر می دارد: «حکم به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی و اجرای آنها، حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت المال جبران می شود». با عنایت به این که مفاد ماده مزبور عام است لذا شامل جبران خسارت ناشی از اقدامات قضایی در کلیه موضوعات حقوقی و کیفری می گردد.

- ماده ۵۳۴ ق.م.ا. پیرامون مسئولیت مدنی و کیفری مأمورین دولتی و مراجع قضایی که مرتکب جعل و تزویر شوند مقرر می دارد: «هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند، اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهند، علاوه بر مجازات های اداری و جبران خسارت وارده، به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». از این ماده به دست می آید که هرگاه قاضی با ارتکاب این عمل، موجبات اضرار شخص یا اشخاص دیگری را فراهم آورد علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز دارد.

شایان ذکر است که اظهار نظر یا اقدام برخلاف حق و از روی غرض ورزی به موجب ماده ۶۰۵ ق.م.ا. موجب مسئولیت مدنی قاضی می شود و این ماده مقرر می دارد: «هر یک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد، به حبس تا سه ماه

یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد».

بدیهی است که مسئولیت مدنی قاضی مندرج در ماده مذکور، منوط بر ثبوت عدم رعایت اصل بی طرفی و غرض ورزی و اظهار نظر و اقدام غیر قانونی است؛ به عبارت دیگر، مشروط بر تقصیر قاضی است (بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/ ۲۶۱ و ۲۶۴).

- ماده ۵۹۷ ق.م.ا.، در خصوص مسئولیت مدنی و کیفری قاضی مبتنی بر «امتناع از رسیدگی به دعاوی» مقرر داشته است: «هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده، به هر عذر و بهانه، اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون، از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار، به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد». جرم مندرج در این ماده، ترک فعل است. خودداری از انجام تکلیف قانونی، هنگامی پیش می آید که قانون، شخصی را به انجام عمل معین مکلف سازد و آن شخص به وظیفه قانونی خود عمل نکند، که این ترک فعل خود تقصیر محسوب می گردد و هرگاه از این ناحیه به شخصی زیانی وارد آید قاضی شخصاً در مقابل زیان دیده ضامن است. این ماده در واقع، یکی از ضمانت اجراهای اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی است (همان/ ۲۶۲).

- ماده ۶۰۴ ق.م.ا. در خصوص معدوم یا مخفی ساختن نوشته، اوراق یا اسنادی که به قاضی سپرده شده و یا تحویل آنها به اشخاصی که ممنوع است، مقرر داشته است: «هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری، نوشته ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می

باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

تخلّف از وظایف مقرر در ماده مذکور، موجب مسئولیت کیفری و مدنی قاضی دانسته شده است؛ یعنی هرگاه در اثر تخلّف از این وظیفه قانونی، زیانی وارد آید، متخلّف مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. گفتنی است که هرگاه معدوم کردن اسناد مندرج در ماده ۶۰۴ شامل اتلاف اسناد دولتی گردد، قاضی مستوجب مجازات کیفری حبس دو تا ده سال مقرر در ماده ۶۸۱ خواهد شد (همان/۲۶۳).

۴-۳- قانون مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ در خصوص مسئولیت مدنی در مواد ذیل مقرر می دارد:

- ماده ۱ ق.م.م. مقرر می دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتمی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.»

- ماده ۲ همان قانون مقرر می دارد: «در موردی که عمل وارد کننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید و چنان چه عمل وارد کننده زیان، موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.»

- ماده ۱۱ ق.م.م. بیان می دارد: «کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نماید شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشد ...»

دلالت مواد فوق بر مسئولیت مدنی قاضی را می توان این گونه تحلیل کرد که قانونگذار در ماده اول، در مقام ترسیم مبنای مسئولیت مدنی بوده و آن را مبتنی بر

تقصیر قرار داده است و با بکارگیری لفظ عام «هر کس» و نیز «وارد کننده زیان»، خواسته است که مقصر در هر حال ضامن قرار گیرد. بنابراین، کلیه اشخاص مطابق با قانون فوق الذکر، مسئول اعمال و رفتار خود در مقابل حقوق دیگران می باشند و قضاات نیز از این قاعده مستثنی نیستند و چنان چه با ارتکاب عملی، موجبات ورود ضرر به دیگری را فراهم نماید مسئولیت مدنی خواهند یافت و ملزم به جبران خسارت می باشند و براساس موازین اسلامی، هیچ مقامی از مصونیت مطلق برخوردار نیست و قانونگذار بر اصل تساوی مردم در مقابل قانون تأکید کرده است. افزون بر این که از باب «تطبیق عام بر مصداق» و «دلالت به نحو ظهور» شخص قاضی نیز در برابر زیان دیده ضامن و مسئول خواهد بود. از سویی دیگر، در ماده ۱۱، لفظ «کارمندان دولت» به صورت عام به کار رفته است، بنابراین حکم مذکور در ماده، شامل قضاات نیز می گردد؛ با عنایت به این که لفظ «کارمند» دلالتش بر افراد به گونه بدلی است و از طرفی مسئولیت مدنی در این ماده مبتنی بر تقصیر قرار داده شده است، لذا امکان مسئولیت شخص قاضی به عنوان یکی از کارمندان دولت وجود دارد (عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی/۱۲۶؛ بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی/۲۶۴؛ مسئولیت مدنی قضاات دادسرا با توجه به قانون نظارت بر رفتار قضاات/۱۱ و ۴۴).

۴-۵- قانون آئین دادرسی کیفری

به موجب ماده ۲۵۵ قانون آ.د.ک. مصوب ۹۲: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود می توانند با ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند».

با عنایت به این که بازداشت اشخاص بی گناه یا اشخاصی که هنوز محکوم نشده اند امری خلاف اصل برائت است و چنان چه پس از بازداشت اشخاص، مشخص شود که این افراد مستحق بازداشت نبوده اند شخص بازداشت شده می تواند کلیه ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصولی که در اثر بازداشت از دست داده

است را مطالبه نماید و نیز به موجب بند «ه» میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ که در سال ۱۳۸۴ به تصویب ایران رسیده: «هر کس که قربانی دستگیری و بازداشت غیر قانونی شده است، حقّ جبران خسارت را دارد» (محشای قانون آیین دادرسی کیفری/۲۲۱ و ۲۲۲).

نتیجه گیری

اجرای حقّ و عدالت اجتماعی در نظام قضایی اسلام به عنوان یک اصل شناخته شده است اما گاه به دنبال تصمیمات مبتنی بر تقصیر قاضی، خساراتی بر زیان دیده وارد می شود که مستندات فقهی از جمله آیات، روایات، قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر، و قاعده وزر، بیانگر پذیرش اصل مسئولیت قانونی قاضی است و نیز مستندات حقوقی از جمله اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و نیز ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری نشانگر آن است که قاضی شخصاً به دنبال تقصیر در صدور حکم به ناحق، مسئول شناخته می شود و در برابر شخص زیان دیده در دو عرصه مدنی و کیفری دارای مسئولیت است.

پیشنهادها

۱- گاه مسائل مطرح شده نزد قاضی از اهمیت زیادی برخوردار است و قاضی نمی تواند خسارت های ناشی از تقصیرات خود را جبران کند؛ لذا پیشنهاد می شود قاضی به بیمه نمودن خدمات خود اقدام نماید تا از عهده جبران خسارات احتمالی برآید.

۲- اعمال شیوه تعدّد قضات در رسیدگی به پرونده های قضایی در دادگاه بدوی، موجب کاهش صدور حکم به ناحق مبتنی بر تقصیرات قاضی می شود؛ به گونه ای که هیأتی از قضات به اتهام عنوان شده رسیدگی کنند که امروزه این روش در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه در حال اجراست.

منابع

- قرآن کریم.

- ابهری، حمید و نوروزی، ناصر، **حقوق مدنی (مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران)**، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۰.
- اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، ج ۱۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- اسکندریان، حسن، **قواعد فقه: بخش مدنی**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- بابایی، احمدعلی، **برگزیده تفسیر نمونه**، ج ۱، ج ۱۳، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- باریکلو، علی رضا، **مسئولیت مدنی**، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، **جامع أحادیث الشیعه**، ج ۳۱، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
- جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، **جهاد در آئینه روایات**، ج ۱، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۴۲۸ق.
- _____، **فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع**، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۴۲۹ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۷ و ۲۹، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- _____، **هدایه الأئمه الی أحكام الأئمه - منتخب المسائل**، ج ۸، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- حسینی، علی اکبر، **حقوق و قضا از دیدگاه امام علی (ع) و نهج البلاغه**، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۸.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، ج ۳، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
- حسینی شیرازی، سید محمد، **الفقه، السلم و السلام**، بیروت، دار العلوم للتحقیق و الطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۶ق.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، **انوار درخشان**، ج ۱۰، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حسینی مومن زاده، امرالله، **مبانی و نوآوری های فقهی شهید آیت الله مطهری**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.

۲۹ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۹ - شماره ۱۷ - پاییز و زمستان ۹۶

- حکمت نیا، محمد، **مسئولیت مدنی در فقه امامیه**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ.

- خواجه پیری، عباس، **حقوق مدنی (۴)**، تهران، نشر الهدی، ۱۳۸۰.

- داریزین، حسین، **آیات الاحکام در نظم حقوقی کنونی**، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۴.

- سبزواری، سید عبد الأعلى، **مهذب الأحکام**، ج ۱، ج ۴، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.

- شامیانی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی**، ج ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.

- صادق منش، جعفر، **ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت ها)**، ج ۲، تهران، قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۴.

- صالحی مازندرانی، محمد، **بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام های حقوقی**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱.

- طالقانی، سید محمود، **پرتوی از قرآن**، ج ۲، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.

- طاهری، محسن، **محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۵.

- طبرسی، ابوعلی فضی بن حسن، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، اکبر غفوری، حبیب روحانی، احمد امیری شادمهری، ج ۲، ج ۲، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

- _____، **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، احمد بهشتی، ج ۹، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.

- طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۶، ج ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- عباسلو، بختیار، **مسئولیت مدنی**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.

- عراقی، آقا ضیاء الدین، علی کزازی، **کتاب القضاء (تقریرات للنجم آبادی)**، قم، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۲۱ق.

- علی پور، زینب و صالحی، سعیده، **مسئولیت مدنی قضات دادسرا با توجه به قانون نظارت بر رفتار قضات**، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.

- عزیزاده، علی، **مسئولیت کیفری**، تهران، انتشارات گل مریم، ۱۳۸۹.

- امید زنجانی، عباسعلی، **قواعد فقه**، ج ۲، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت): مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۸۶.

واکاوی مستندات مسؤلیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی _____ ۳۰

- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، **الوافی**، ج ۱، چ ۱، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، **الوافی**، ج ۲، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- قاسم زاده، سید مرتضی، **حقوق مدنی: الزام ها و مسؤلیت مدنی بدون قرارداد**، چ ۸، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، ج ۳، چ ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- قرشی، سید علی اکبر، **تفسیر أحسن الحدیث**، ج ۳، چ ۳، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قمی، سید صادق حسینی روحانی، **فقه الصادق علیه السلام**، ج ۲۵، قم، دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ق.
- کاشانی، ملا فتح الله، **خلاصه المنهج**، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۷، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کاتوزیان، ناصر، **الزام های خارج از قرارداد «قواعد عمومی»**، ج ۱، چ ۸، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- گردآورنده فرمایشات امام، امیر المؤمنین علیه السلام: سید رضی، محمد، **نهج البلاغه**، ج ۱، قم، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.
- لطفی، اسدالله، **سلسله مباحث فقهی، حقوقی مسؤلی مدنی**، تهران، جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳.
- _____، **قواعد فقه مدنی**، همدان، دانشگاه بوعلی سینا و تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۱.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی، **شرح الکافی**، ج ۶، تهران، المکتبه الإسلامیه، ۱۳۸۲ق.
- مجلسی اول، محمد تقی، **روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه**، ج ۶، چ ۲، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمد تقی، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، ج ۲۴، چ ۲، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- محقق داماد، سیدمصطفی، **قواعد فقه ۴: بخش جزا**، چ ۱۴، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.

۳۱ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۹ - شماره ۱۷ - پاییز و زمستان ۹۶

- محمدی، ابوالحسن، **قواعد فقه**، ج ۸، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- مدرّسی، محمدتقی، **تفسیر هدایت**، احمد آرام، ج ۱۷، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، **القصاص علی ضوء القرآن و السنه**، ج ۲، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدّس سره، ۱۴۱۵ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۲۵، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
- نجفی خمینی، محمدجواد، **تفسیر آسان**، ج ۱۰، تهران، ۱۳۹۸ق.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، **مستند الشیعه فی احکام الشریعه**، ج ۱۷، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.
- نوحی، حمیدرضا، **قواعد فقهی در آثار امام خمینی (ره)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴.
- نوربها، رضا، **زمینه حقوق جزای عمومی**، ج ۲، تهران، کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۵.
- هاشمی، سید احمدعلی، **دامنه مسئولیت مدنی (با مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق فرانسه)**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- ولیدی، محمد صالح، **حقوق جزا (مسئولیت کیفری)**، ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ونکلی، احمدرضا، **محشای قانون آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
- یزدانیان، علیرضا، **حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه**، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی